

این هم پشت بلندگو! گفتیم «صلاح نمی‌دانم»

آیت الله العظمی امام خامنه‌ای، در مورد نامزدی احمدی‌نژاد در انتخابات:



آیت الله العظمی امام خامنه‌ای، در مورد نامزدی احمدی‌نژاد در انتخابات:

این هم پشت بلندگو!

گفتم «صلاح نمی‌دانم»

اعتدال: امام خامنه‌ای، صبح دیروز (1395/07/05) در ابتدای درس خارج فقه: یک آقائی آمده پیش من، من هم به ملاحظه‌ی صلاح حال خود آن شخص و صلاح کشور گفتم که صلاح نمی‌دانیم شما در فلان قضیه شرکت کنید... اگر توی این مقوله وارد شدید در کشور دوقطبی ایجاد می‌شود/ خیلی ساده است. ما این توصیه را به یکی از آقایان کردیم. خب حالا این مایه‌ی اختلاف بشود بین برادران مؤمن، یکی بگوید فلانی گفته، یکی بگوید نگفته، یکی بگوید چرا پشت بلندگو نگفته؟ خب حالا این هم پشت بلندگو!

به گزارش اعتدال، از khamenei.ir ولی امر مسلمین در ابتدای این جلسه نسبت به «بگو مگو»هایی که مدتی است پیرامون نظر معظم‌له در مورد ورود یا عدم ورود احمدی‌نژاد در انتخابات در فضای مجازی مطرح است، واکنش نشان دادند.

* متن کامل بیانات معظم‌له در ابتدای درس خارج فقه دیروز به این شرح است.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمد لله ربّ العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین سیما بقیة الله فی الأرضین.
دنباله‌ی حدیث قبل از جناب ابی‌حمزه‌ی ثمالی از حضرت سجاد (سلام‌الله‌علیه) که فقراتی از این حدیث را در روزهای قبل خواندیم. «إِنْ رُكِبَ خَافَ مَا يَقُولُونَ»

حالا قبل از آنی که این فقره را عرض بکنم، این تذکر را، توجه را بدهم که از مطلبی که ما دیروز در ذیل این فقره‌ی قبلی گفتیم مثل اینکه سوء‌برداشت شده، بعضی‌ها سوء‌تلقی کردند.

خب حالا سوء‌برداشت فی‌نفسه چیز مشکلی نیست. لکن وقتی که این منتهی بشود به بگو مگو و بخصوص در این فضای مجازی و این یک چیزی بگوید، آن یک چیزی بگوید، مایه‌ی کدورت و دل‌چرکینی برادران مؤمن از یکدیگر بشود آن وقت این چیز بدی است.

بنده‌ی حقیر که این همه اصرار دارم بر وحدتِ قلوب و حرکت در مسیر واحد و اتحاد نیروهای کشور، بخصوص نیروهای مؤمن و انقلابی، خدای نکرده یک چیزی آدم بگوید که مایه‌ی اختلاف بین نیروها بشود، این را به خدا پناه می‌بریم. نباید این چیزها را مایه‌ی اختلاف قرار داد.

خب بله، یک نفری، یک آقائی آمده پیش من، من هم به ملاحظه‌ی صلاح حال خود آن شخص و صلاح حال کشور به ایشان گفتم که شما در فلان قضیه شرکت نکنید. نگفتم هم شرکت نکنید، گفتیم صلاح نمی‌دانیم ما، شما شرکت کنید. این را گفتیم.

خب یک چیز عادی است. انسان بایستی آن چیزی را که می‌بیند و می‌فهمد و فکر می‌کند که به نفع برادر مؤمن‌اش است باید به او بگوید دیگر.

ما هم اوضاع کشور را خب، غالباً، بیشتر از اغلب افراد آشنا هستیم. آدم‌ها هم، بخصوص آدم‌هایی که صدها جلسه با ما نشستند و برخاستند، بیشتر و بهتر از دیگران می‌شناسیم.

با ملاحظه‌ی حال مخاطب و اوضاع کشور به یک آقائی انسان توصیه می‌کند که آقا شما اگر در این مقوله وارد شدید، این دو قطبی در کشور ایجاد می‌شود. دو قطبی در کشور مضرّ است به حال کشور. من صلاح نمی‌دانم شما وارد بشوید.

بله، این چیز خیلی مهمی که نیست. این یک چیز خیلی طبیعی است، خیلی ساده است. بله، ما این توصیه را به یکی از آقایان، به یکی از برادران کردیم. خب حالا این مایه‌ی اختلاف بشود بین برادران مؤمن، یکی بگوید فلانی گفته، یکی بگوید نگفته، یکی

بگویند چرا پشت بلندگو نگفته؟ خب حالا این هم پشت بلندگو.
(خنده‌ی معظم‌له و حضار)
دشمنان هم که گوش خوابانند استفاده کنند. ببینید، حواستان جمع باشد. خب به رادیوی «فردا» یا رادیوی «بی‌بی‌سی» چه ارتباطی دارد این قضیه؟
می‌پردازند، بحث می‌کنند، تحلیل می‌کنند، علت چیست، چرا گفتند، این چیست معنایش؟
این معنایش این است که دشمن می‌خواهد استفاده کند.
ما چه کار باید بکنیم؟

* ما باید نقطه‌ی مقابل دشمن حرکت بکنیم

ما باید نقطه‌ی مقابل دشمن حرکت بکنیم. یعنی مطلب خیلی عادی است، همین‌طور که بنده عرض کردم. خب شما برادر مؤمن من هستی. یک چیزی را به مصلحت شما می‌دانم، می‌گویم به شما. این اشکالی که ندارد ظاهراً. چیز خوبی است. لازم هم هست شرعاً. لازم هم هست خیرخواهی. «التَّصِيحَةُ لِلْمُؤْمِنِينَ» یا «لِلْإِخْوَةِ الْمُؤْمِنِينَ» یا «لَأُمَّةٍ الْمُؤْمِنِينَ» در همه‌ی صور. این یک چیزی خوبی است دیگر. انسان باید نصیحت کند. نصیحت یعنی خیرخواهی.

من به جنابعالی که مثلاً آقای آشیخ عبدالعالی اسمتان است من باب مثال علاقه‌مندم. می‌دانم شما اگر وارد این مقوله شدی به ضررت است. به ضرر کشور هم هست. به شما می‌گویم وارد نشو. نمی‌گویم هم وارد نشو. امر و نهی نیست. حالا بعضی گفتند آقا دستور دادند، امر کردند، نه، گفتیم صلاح نمی‌دانیم. من صلاح نمی‌دانم. این چیز خوبی است. این چیز بدی نیست. اینی هم که حالا بگویند که فلانی [امام خامنه‌ای] تحت تأثیر زید و عمرو و بکر و ... است؛ نه، این حرف‌ها چیست؟ بنده از زید و عمرو و بکر و اینها هم بیشتر اطلاع دارم، هم انگیزه بیشتر دارم. آنچه که واقعاً مصلحت باشد، آنچه که مصلحت بدانم بینی و بین‌الله، ما باید به خدا جواب بدهیم.

یکی از دعاهائی که دائماً باید امثال بنده و شما بکنیم این است، «وَأَسْتَعْمِلُنِي لِمَا تَسَأَلُنِي عَدَاً عَنْهُ» فردا از ما سؤال می‌کنند. چرا فلان چیز را گفتید، چرا نگفتید. از نگفتید هم سؤال می‌کنند. فقط از گفتید نیست. چرا فلان کار را کردید، چرا نکردید. از نکردید هم سؤال می‌کنند.

بنابراین نه، ما این فقره‌ای که دیروز معنا کردیم ناظر به این قضیه اصلاً نبود. داشتیم حدیث را معنا می‌کردیم مثل اینکه امروز هم حدیث را معنا می‌کنیم. آن قضیه هم همین‌طور است که عرض کردیم.

بین برادران مؤمن اختلاف سر این چیزها هیچ مصلحت نیست. شما یک چیزی بگوئید، آن یک چیزی بگوید، آن یک چیزی بگوید. یک نفر سومی هم منتظر باشد، به مجردی که شما با هم دعوا کردید، او بیاید از میانه سود خودش را ببرد؛ بردار ببرد. اینها را باید مراقب بود. امروز کشور به اتحاد نیروها احتیاج دارد. بخصوص نیروهای مؤمن. نیروهای پای کار. سعی کنند از این چیزها اختلاف بوجود نیاورند.